

سؤالات امتحان درس :	شماره دانش آموز:
نام و نام خانوادگی :	تاریخ امتحان: ۱۴۰۱/۱۰/
پایه / رشته تحصیلی :	مدت امتحان : دقیقه
	ساعت شروع :
نام آموزشگاه: امام خمینی(ره)	

ردیف	سؤالات	نام دبیر: آقای عادل عربی	نمره
	<p>الف) قلمرو زبانی (۷نمره)</p> <p>معنی واژه (انمره)</p> <p>۱. پرده ناموس بندگان به گناه <u>فاحش</u> ندرد</p> <p>۲. چون گشت زمین ز جور گردون سرد و سیه و خموش و <u>آوند</u></p> <p>۳. عشق از بهر این معنی <u>فرض</u> راه آمد.</p> <p>۴. آدمی گمان می کند به <u>غایت القصوای</u> خود رسیده است</p>		
	<p>۵. در میان گروه کلمات زیر، نادرستی املائی را بیابید و تصحیح کنید. (انمره)</p> <p>سوء حاضمه - داروغه - بی خردان سفله - احداس خاکریز - خان نعمت بی دریغش - اساس تزویر - مستفروق</p>		
	<p>۶. با توجه به معنا، املائی صحیح واژه را از داخل کمانک انتخاب کنید. (انمره)</p> <p>الف- عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف و واصفان حلیه جمالش به تحیر (منسوب منصوب)</p> <p>ب- بخروش چو شرزه شیر (ارقند- ارغند)</p> <p>پ) تن زجان و جان ز تن نیست (مستور - مسطور)</p> <p>ت) دشمن که در این دشت وسیع عملیات کند(عن غریب- عن قریب)</p>		
	<p>۷. در عبارتهای زیر وابسته ی وابسته کدام است؟ نوع آن را مشخص کنید؟(۱)</p> <p>الف) تابستان وصال گرم و مهربان می آمد و مارا از غربت زندان شهر به کویر می برد</p> <p>ب) در اینجا می توان چند حلقه چاه عمیق زد</p>		
	<p>۸. در عبارت زیر به ترتیب چند ترکیب وصفی و ترکیب اضافی وجود دارد؟ (۵/۰)</p> <p>«کارمان از آن زندگی پر زرق و برق به یک اتاق کرایه ای در یک خانه کشید.»</p>		

الف) پنج وصفی - دو اضافی
ب) چهار وصفی - دو اضافی
پ) چهار وصفی - یک اضافی
ت) پنج وصفی - یک اضافی

۹. نقش واژگان مشخص شده چیست؟ (۱)

الف) تمام جهان عشق ببند.
ب) فریادها برانگیخت از سنگ کوهساران

۱۰. نوع «را» را در عبارات زیر مشخص کنید؟ (۵/۰)

الف) گفت تا داروغه را گویم در مسجد بخواب
ب) درد هر کس را که بینی در حقیقت چاره دارد

۱۱. فعل «نیست» را از نظر «معنایی - دستوری» در بیت زیر باهم مقایسه کنید. (۱)

«سر من از ناله من دور نیست / لیک چشم و گوش را آن نور نیست»

ب) قلمرو ادبی (۵ نمره)

۱۲. آرایه‌های «حسن تعلیل - اسلوب معادله - استعاره و تضاد» در کدام گزینه‌ها وجود دارد. مقابله بنویسید. (۲ نمره)

الف) عشق بر یک فرش بنشانند گدا و شاه را / سیل یکسان میکند پست و بلند راه را :

ب) تا چشم بشر نبیند روی / بنهفته به ابر چهر دل‌بند :

پ) ترش بنشین و تیزی کن که ما را تلخ نماید / چه می‌گویی چنین شیرین که شوری در من افکندی:

ت) ناله زیر و زار من زارتر است هر زمان / بس که به هجر می‌دهد عشق تو گوشمال من :

۱۳. مفهوم عبارات کنایی زیر را بنویسید (۱)

الف) در عشق قدم نهادن کسی را مسلم شود که ترک خود بکند:

ب) از قدیم گفته‌اند کاجی به از هیچی:

۱۴. نام نویسنده آثار زیر را بنویسید: (۰/۵)

الف) فیه ما فیه: (ب) تمهیدات:

۱۵. منظوم و منثور بودن آثار زیر را مشخص کنید (۰/۵)

الف) تذکره الاولیا (ب) مثل درخت در شب باران

۱۶. ابیات زیر را کامل کنید (۱)

الف) باز آ که در هوایت خاموشی جنونم /
ب) / آنکه رسی به خویش که بی خواب و خور شوی

ج) قلمرو فکری (۸ نمره)

۱۷. معنی عبارات و ابیات زیر را به نثر روان بنویسید. (۵ نمره)

الف) حیات از عشق می‌شناس و ممات بی عشق می‌یاب (۰/۵)

ب) هر نفسی که فرومی‌رود ممدّ حیات است و چون بر می‌آید مفرّح ذات (۰/۷۵)

پ) در پیشگاه اهل خرد نیست محترم / هر کس که فکر جامعه را محترم نداشت (۰/۵)

ت) برگن زبن این بنا که باید / از ریشه بنای ظلم برگند (۰/۵)

ث) محرم این هوش جز بی هوش نیست / مر زبان را مشتری جز گوش نیست (۰/۷۵)

ج) یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود (۰/۵)

چ) در این دو شهر تنها سرپری زدیم (۰/۲۵)

ح) صد تیغ جفا بر سر و تن دید یکی چوب / تا شد تهی از خویش و نی‌اش نام نهادند (۰/۷۵)

خ) در عشق کسی قدم نهد کش جان نیست (۰/۵)

۱۸. مفهوم عبارت « از بیم عقرب جراره دموکراسی به مار غاشبیه حکومت سرهنگها برده اند» یادآور کدام مثل است؟ (۰/۵)

۱۹. در مصراع « گفت دیناری بده پنهان و خود را وارهان» شاعر به کدام پدیده اجتماعی دوران خویش اشاره می کند؟ (۰/۵)

۲۰. با توجه به بیت‌های زیر به پرسش‌های زیر پاسخ دهید. (۲ نمره)
محرم این هوش جز بی هوش نیست / مر زبان را مشتری جز گوش نیست
در غم ما روزها بیگانه شد / روزها با سوزها همراه شد
روزها گر رفت، گو رو، باک نیست / تو بمان، ای آن که جز تو پاک نیست
هر که جز ماهی ز آبش سیر شد / هر که بی روزی است روزش دیر شد

الف) مفهوم بیت اول چیست؟
ب) منظور از « ماهی » و « آب » چیست؟
پ) عبارتهای « بیگانه شد » و « روزش دیر شد » چه مفهومی دارند؟

لاصراً:

سخن را که به زلف تو دل آویخته باش
گر ملک جهان شود از دست، غم نیست (غلام حیدر)

نمره ورقه (به عدد):	به حروف:	نمره تجدیدنظر (به عدد):	به حروف:
نام و نام خانوادگی دبیر:	تاریخ و امضاء	نام و نام خانوادگی دبیر:	تاریخ و امضاء

ردیف	راهنمای تصحیح
۱	فاحش: آشکار واضح
۲	آوند: آونگ، آویزان، آویخته
۳	فرض: لازم، ضروری، آنچه خداوند بر بندگانش واجب کرده است.
۴	غایت القصوی: حد نهایی چیزی، کمال مطلوب
۵	سوءِ هاضمه - احداثِ خاکریز - خوانِ نعمت بی دریغش - مستغرق
۶	الف) منسوب / ب) ارغند / پ) مستور / ت) عن قریب
۷	الف) واژه «شهر» در گروه اسمی «غربت زندان شهر»: مضاف الیه مضاف الیه ب) واژه «عمیق» در گروه اسمی «چند حلقه چاه عمیق»: صفت مضاف الیه
۸	یک ترکیب اضافی: کارمان / پنج ترکیب وصفی: آن زندگی - زندگی پرزرق و برق - یک اتاق - اتاق کرایه‌ای - یک خانه
۹	الف) تمام جهان: مفعول - عشق: مسند / ب) سنگ: متمم - کوهساران: مضاف الیه
۱۰	الف) «را»ی جانشین حرف اضافه (...تا به داروغه بگوییم...) / ب) نشانه مفعول
۱۱	«نیست» اول: فعل اسنادی به معنای نبودن «نیست» دوم: به معنی وجود نداشتن (برای چشم و گوش آن نور وجود ندارد)
۱۲	الف) اسلوب معادله / ب) حسن تعلیل: ارائه دلیل غیرواقعی برای پنهان شدن قلۀ دماوند پشت ابرها پ) تضاد: تلخ و شیرین / ت) استعاره: گوشمال داده شدن شاعر توسط عشق تشخیص و استعاره است.
۱۳	الف) قدم نهادن: کنایه از وارد شدن - ترک خود: کنایه از ترک تعلقات دنیوی و ایثار ب) کاجی به از هیچی: کنایه از ترجیح دادن مقدار یا تعداد کم از چیزی به مقدار یا تعداد هیچ از آن
۱۴	الف) فیه ما فیه: مولوی / ب) تمهیدات: عین القضاة همدانی
۱۵	الف) تذکره الاولیا: منثور / ب) مثل درخت در شب باران: منظوم
۱۶	الف) فریادها برانگیخت از سنگ کوهساران / ب) خواب و خورت ز مرتبه خویش دور کرد
۱۷	الف) زندگی حقیقی را در زیستن با عشق و مرگ حقیقی را در زندگی بدون عشق دریاب. ب) هر نفسی که فرومی رود حیات بخش است و بازدم آن شادی بخش وجود است. پ) هر کسی که افکار و آرمان‌های جامعه را محترم نشمرد، نزد خردمندان احترامی ندارد. ت) این بنای ظلم را از ریشه و پی نابود کن؛ زیرا ظلم باید از ریشه نابود شود ث) تنها عاشق حقیقی محرم راز عشق است؛ همانطور که تنها گوش می‌تواند مخاطب زبان باشد

<p>ج) یکی از عارفان سر در یقه برده و در حال مراقبه بود چ) در این دو شهر تنها توقفی کوتاه داشتیم. ح) يك تکه چوب، متحمل ستم بسیاری از سوی تیغ شد تا این که از خود تهی و تبدیل به نی شد. خ) کسی وارد مسیر عشق می شود که از جان خود گذشته باشد.</p>	
<p>از چاله به چاه افتادن</p>	<p>۱۸</p>
<p>رشوه خواری</p>	<p>۱۹</p>
<p>الف) تنها عاشق و سالک واقعی شایسته آگاهی از راز عشق است. ب) منظور از «ماهی»: عاشق واقعی / منظور از «آب»: عشق پ) بیگانه شدن: کنایه از سپری شدن / روزش دیر شد: کنایه از تباه شدن عمر</p>	<p>۲۰</p>

ردیف	راهنمای تصحیح
۱	فاحش: آشکار واضح
۲	آوند: آونگ، آویزان، آویخته
۳	فرض: لازم، ضروری، آنچه خداوند بر بندگانش واجب کرده است.
۴	غایت القصوی: حد نهایی چیزی، کمال مطلوب
۵	سوء هاضمه - احداث خاکریز - خوان نعمت بی دریغش - مستغرق
۶	الف) منسوب / ب) ارغند / پ) مستور / ت) عن قریب
۷	الف) واژه «شهر» در گروه اسمی «غربت زندان شهر»: مضاف الیه مضاف الیه ب) واژه «عمیق» در گروه اسمی «چند حلقه چاه عمیق»: صفت مضاف الیه
۸	یک ترکیب اضافی: کارمان / پنج ترکیب وصفی: آن زندگی - زندگی پرزرق و برق - یک اتاق - اتاق کرایه‌ای - یک خانه
۹	الف) تمام جهان: مفعول - عشق: مسند / ب) سنگ: متمم - کوهساران: مضاف الیه
۱۰	الف) «را»ی جانشین حرف اضافه (...تا به داروغه بگوییم...) / ب) نشانه مفعول
۱۱	«نیست» اول: فعل اسنادی به معنای نبودن «نیست» دوم: به معنی وجود نداشتن (برای چشم و گوش آن نور وجود ندارد)
۱۲	الف) اسلوب معادله / ب) حسن تعلیل: ارائه دلیل غیرواقعی برای پنهان شدن قلۀ دماوند پشت ابرها پ) تضاد: تلخ و شیرین / ت) استعاره: گوشمال داده شدن شاعر توسط عشق تشخیص و استعاره است.
۱۳	الف) قدم نهادن: کنایه از وارد شدن - ترک خود: کنایه از ترک تعلقات دنیوی و ایثار ب) کاجی به از هیچی: کنایه از ترجیح دادن مقدار یا تعداد کم از چیزی به مقدار یا تعداد هیچ از آن
۱۴	الف) فیه ما فیه: مولوی / ب) تمهیدات: عین القضاات همدانی
۱۵	الف) تذکره الاولیا: منثور / ب) مثل درخت در شب باران: منظوم
۱۶	الف) فریادها برانگیخت از سنگ کوهساران / ب) خواب و خورت ز مرتبۀ خویش دور کرد
۱۷	الف) زندگی حقیقی را در زیستن با عشق و مرگ حقیقی را در زندگی بدون عشق دریاب. ب) هر نفسی که فرومی‌رود حیات بخش است و بازدم آن شادی بخش وجود است. پ) هر کسی که افکار و آرمان‌های جامعه را محترم نشمرد، نزد خردمندان احترامی ندارد. ت) این بنای ظلم را از ریشه و پی نابود کن؛ زیرا ظلم باید از ریشه نابود شود ث) تنها عاشق حقیقی محرم راز عشق است؛ همانطور که تنها گوش می‌تواند مخاطب زبان باشد

<p>ج) یکی از عارفان سر در یقه برده و در حال مراقبه بود چ) در این دو شهر تنها توقفی کوتاه داشتیم. ح) يك تکه چوب، متحمل ستم بسیاری از سوی تیغ شد تا این که از خود تهی و تبدیل به نی شد. خ) کسی وارد مسیر عشق می شود که از جان خود گذشته باشد.</p>	
<p>از چاله به چاه افتادن</p>	<p>۱۸</p>
<p>رشوه خواری</p>	<p>۱۹</p>
<p>الف) تنها عاشق و سالک واقعی شایسته آگاهی از راز عشق است. ب) منظور از «ماهی»: عاشق واقعی / منظور از «آب»: عشق پ) بیگانه شدن: کنایه از سپری شدن / روزش دیر شد: کنایه از تباه شدن عمر</p>	<p>۲۰</p>